

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۳ سپتمبر ۲۰۲۰

ملالی موسی نظام

اندر اوصاف خانم های اول در افغانستان

قسمت دوم

نازو انا مادر دانشمند و ادیب میر ویس خان هوتکی



یکی از میرمن های نامدار تاریخ سرزمین ما به اسم نازو انا شهرت دارد که دختر سلطان ملخی توخی یکی از خوانین قلات بود، پدر وی معروف به ملخی توخی دریک جنگ با دشمن به شهادت میرسد و در حالیکه پسرش حاجی عادل خان برادر نازو برای مقابله با دشمن رهسپار جنگ میگردد، نازو خواهرش را برای حفاظت قلعه پدرشان میگمارد، نازو به تقلید از دیگر محافظان قلعه لباس نظامی برتن میکند و با وسایل جنگی مجهز میگردد و شجاعانه از قلعه حفاظت میکند. از مرحوم محمود هوتک روایت است که نازو انا در پهلوی داشتن قریحه شعری که دو هزار بیت را احتوا می نماید، چون میرمنی بود نهایت پارسا و مؤمن، تعداد زیادی اشعار وی مناجات و عبادت خداوندی را در بر میگردد و وی را در زمره شاعران پشتو زبان عصر و زمانش قرار میدهد؛ یکی از شعرای پشتو زبان بنام کبرا مظهري بیان میدارد که مرحوم اقبال لاهوری شاعر بلند آوازه شرق، از نمونه ابیات نازو انا که درین جا مطالعه مینماییم برای یکی از اشعار خویش الهام گرفته است:

ځاڅکي ځاڅکي يي له سترگو څڅیده
دی ویل ژوند می دی یوه خوله خنډیده

سحرگه وه د نرگیس لیمه لاندہ
ما ویل څه دی بڼکلیه گله ولي ژاری

اینهم ابیات اقبال لاهوری:

که این زندگی گریه پیهم است
غلط کردی خنده یک دم است
سخنها میان گل و شبنم است

شبی زار بگریست ابر بهار
درخشید برق سبکسیر و گفت
ندانم به گلشن کی برد خبر

بعد ها نازو انا با شاه علم خان هوتک ازدواج می نماید و به تربیت فرزندان می پردازد، چنانچه حاجی میرویس خان هوتکی ملقب به «میرویس نیکه» را تا سن ۷ سالگی با تمام علوم دینی و اخلاقی آشنا ساخت و همواره وی را از یک آینده روشن برای خدمت به وطن و مردم آگاهی میداد. در اثر مساعی مادری روشن ضمیر؛ میرویس خان هوتک در سال ۱۱۱۹ هجری قمری سرزمین خویش را از چنگ متجاوزین فارس نجات بخشید و حکومت مستقل افغانی را در شهر قندهار تشکیل نمود.

زرغونه انا مادری مدبر و دانای احمدشاه بابا



تصویری از تاجگذاری احمد شاه بابا مؤسس افغانستان نوین در جرگه شیر سرخ

«زرغونه انا» مادر نام آور و نهایت ارجمند اعلیحضرت احمدشاه با بای درانی مؤسس امپراطوری افغانستان نوین یک زن مصمم، با تدبیر و بسیار دانشمند بود، بدون تردید او بود که اوصافی چون شجاعت، جنگ آوری و تدبیر را به فرزندش «احمد خان» آموخت که در نتیجه نامبرده امپراطوری بزرگرا که از نیشاپور و کرمان تا لاهور وسعت داشت، در قلب آسیا اساس گذاشت.

در سال ۱۱۷۴ هجری شمسی که اهمیت به سزایی در تاریخ سرزمین ما دارد، حینی که احمد خان دریک جرگه با سران اقوام تصمیم گرفتند یک خندق و دیوار بزرگ امنیتی در اطراف شهر قندهار اعمار کنند، «زرغونه انا»،

مادر شجاع و با تدبیر احمد خان جوان ناگهانی داخل جرگه گردیده و خطاب به مردم گفت که آنان نباید در عقب دیوار ها و خندق ها پنهان گردند و از دشمن بترسند، بلکه برای حفاظت از خاک خود رو در روی دشمن به مبارزه بپردازند و شهامت نشان دهند. در نتیجه از حفر خندق و اعمار حصار هم صرف نظر به عمل آمد.

احمد خان در جوار چنین شیر زن افغان شهامت، شجاعت و تدبیر آموخت؛ روایت دیگری ازین میرمن با شهامت است که زمانی که احمد خان به جنگ پانی پت به هند لشکر کشید و تا دهلی پیشرفت نمود، آوازه غلطی در قندهار پخش گردید که گویا احمد خان و قوای او عقب نشینی اختیار نموده است؛ «زرغونه انا» در چنین موقعیت حساس مردم را جمع نموده و با یک نطق تأریخی اظهار میدارد که شکست و پیروزی از جانب خداوند است، ولی تا جاییکه فرزندی مانند احمد خان را تربیت نموده و می شناسم، عقب نشینی در خصلت وی نمی باشد؛ پس اگر جنگ را فتح ننموده باشد، باید فرزندان ما به شهادت رسیده باشند.

همان طور که فرزند نام آور زرغونه انا لقب «بابا» را از جانب مردم خویش در طول تاریخ کسب نمود، لقب مادر کلان یا «انا» را که در فرهنگ افغانی نهایت درجه قابل احترام است، همچنان به مادر گرامی وی در اوراق تاریخ ثبت گردید. سال وفات زرغونه انا معلومات نیست. چنین گفته میشود که وی در بین سالهای ۱۱۷۴ هجری قمری و ۱۱۸۶ هجری قمری وفات یافته باشد. مقبره اش در قریه کوهک شهر قندهار است.

(محقق عبدالرحیم بختانی، نقش زنان در امور مملکت داری)

نا گفته نماند که همسر احمد شاه بابا که مادر تیمور شاه درانی باشد، میرمنی بود مدبر و آگاه از امور مملکت داری، چنانچه مؤرخ افغان عزیز الدین وکیلی فوفلز لایی که مؤلف کتاب «تیمور شاه درانی» میباشد، در مورد مادر وی چنین می انگارد: "ملکه معظمه خانم احمد شاه درانی در عهد خود دارای صفات عالیة سلطنتی و صاحب حسن اداره دود مان جلیل شاهی بود و وقتی که تیمور شاه به حکومت شاهی هرات به امر پدر خود برگزیده شد آن ملکه معظمه احمد شاهی خانم شاه از امور حکومتی پسر خورد سال خود در هرات، به صفت مستشار و متصدی از دولت سرای او واری می کرد و بر فراز قصر نشین خود بیرق می داشت و به وقت سواری اسپ به راه توغ و نغاره مانند موکب شهنشاه در جلو لشکر خاصه میداشت"

پایان قسمت دوم